

مقایسه ثبات ازدواج و مولفه‌های عشق در دانشجویان با ازدواج سنتی و

غیر سنتی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان فارس

نازنین هنرپروران^{*۱}

چکیده

هدف این پژوهش مقایسه ثبات ازدواج و مولفه‌های عشق در دانشجویان با ازدواج سنتی و غیر سنتی بود. جامعه آماری را تمامی زوجین دانشجویی ۲۲ تا ۳۵ ساله دانشگاه آزاد اسلامی استان فارس که مدت ازدواج‌شان کم‌تر از ۱۰ سال بود، تشکیل می‌دادند. نمونه پژوهش شامل ۳۲۶ نفر (۲۲۴ نفر ازدواج سنتی و ۱۰۴ نفر ازدواج غیر سنتی) بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. از مقیاس‌های شاخص بی‌ثباتی ازدواج (ادواردز ، جانسون و بوث) و عشق مثلثی اشترنبرگ برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که بین زوجین با ازدواج سنتی و غیر سنتی در بی‌ثباتی ازدواج در سطح $0/001$ تفاوت معنا دار وجود دارد. به این معنا که میانگین نمره بی‌ثباتی ازدواج (احتمال طلاق) در ازدواج سنتی به گونه‌ای معنی‌دار بیشتر از ازدواج مدرن (غیر سنتی) بود. هم‌چنین، بین زوجین با ازدواج سنتی و غیر سنتی در مولفه‌های عشق تفاوت معنادار در سطح $0/05$ وجود دارد. به این معنا که میانگین نمره مولفه‌های صمیمیت و میل (هوس) در زوجین با ازدواج غیر سنتی به گونه‌ای معنادار بیشتر از زوجین با ازدواج سنتی بود، ولی بین میانگین نمره مولفه تعهد در زوجین دو گروه تفاوتی معنادار مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: ثبات ازدواج، مولفه‌های عشق، ازدواج سنتی و غیر سنتی.

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد استهبان، گروه علوم انسانی، استهبان، ایران.

*- نویسنده مسئول مقاله: nazanin48@gmail.com

پیشگفتار

ازدواج در گذشته به صورت سنتی بین افراد انجام می‌شد و در آن خانواده پسر پس از انتخاب دختری که او را مناسب خانواده و پسر خود می‌دیدند، پس از خواستگاری، وی را به عقد ازدواج پسر خود در می‌آوردند. در این ازدواج‌ها دختر و پسر شناختی از هم نداشتند و تا پیش از ازدواج از خصوصیات و رفتارهای درونی و شخصی فرد مورد نظرشان بی‌خبر بودند. با گذشت زمان و متحول شدن دنیا و پیشرفت سریع علوم و فنون بویژه دانش‌های مربوط به ارتباطات که در دهه آخر قرن بیستم سرعتی عجیب به خود گرفت؛ گسترش دانشگاهها و استقبال جوانان در کشورهای در حال توسعه از علوم دانشگاهی و ورود به دانشگاهها و پانهادن زنان که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند به عرصه‌های اجتماعی و دانش‌های روز، ازدواج‌ها پس از آشنایی در محیط کار یا تحصیل انجام می‌گیرد و در بیش‌تر موارد پس از آن که دختر و پسر مدتی با هم بوده و تصمیم به ازدواج می‌گیرند، خانواده‌های خود را مطلع می‌کنند. تمام کسانی که قصد ازدواج داشته و یا ازدواج کرده‌اند، علاقمندند همسری مناسب انتخاب کرده و تا آخر عمر با وی زندگی کنند، اما واقعیت امر این است که زندگی زناشویی همیشه در معرض خطر بروز اختلال‌هایی متعدد می‌باشد.

(Oliaee, Fatehzadeh, 2009) تمامی زوجین خواهان ثباتی در ازدواج خود می‌باشند؛ ثبات ازدواج^۱، فقدان مشکلات زناشویی نیست بلکه حضور شور و اشتیاق، صمیمیت و تعهد است که ازدواج را سالم و بی‌عیب حفظ می‌کند. ثبات ازدواج که کیفیت ازدواج و تعهد به ازدواج را در برمی‌گیرد، در مقابل از هم پاشیدگی واقعی و موازی که در آن هر کدام از همسران ممکن است رابطه را پایان دهند، اندازه‌گیری می‌شود. ثبات زناشویی سه جزء اساسی "شور و اشتیاق"^۲، "صمیمیت" و "تصمیم برای تعهد" را در بر می‌گیرد. (Carrere, 2010). در پژوهشی با عنوان رابطه سبک‌های همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج انجام شد، نتایج نشان دادند که سبک‌های گوناگون همسرگزینی به گونه‌ای معنادار در گروههای گوناگون زوجین "راضی"، "ناراضی و در جستجوی درمان" و "متقاضی طلاق" متفاوت می‌باشد: در حالی که بیش از ۸۹ درصد زوج‌های راضی از راه یکی از دو سبک "خواستگاری و ازدواج با رضایت خود و خانواده" و "آشنایی و ازدواج با موافقت خانواده‌ها" ازدواج کرده بودند، بیش از ۴۸ درصد زوج‌های متقاضی طلاق یکی از دو سبک "خواستگاری و ازدواج اجباری" و "شیفتگی علی‌رغم مخالفت خانواده‌ها" و بیش از ۴۳ درصد زوج‌های در جستجوی درمان نیز یکی از دو سبک "ازدواج با انتخاب خود، ولی برای فرار از خانه" و "آشنایی و ازدواج اجباری" را به عنوان سبک همسرگزینی خود گزارش کردند (Mazaheri, 2009).

¹ -marital stability

² -presence of passion

عوامل گوناگون به یک ازدواج شاد و با دوام کمک می‌کند. زوجی که باورهای مذهبی یکسان دارند و خدمات آموزشی پیش از ازدواج را دریافت کرده‌اند، احتمال بیش‌تری دارد که در کنار هم بمانند. همسرانی که همراه با هم در مراسم مذهبی و تفریحی شرکت می‌کنند، سطوح بالاتری از شادی و عشق را با همسران‌شان تجربه می‌کنند. در ازدواج‌هایی که در آن هر دو زوج تعهد قوی به ازدواج دارند، یعنی توافق دارند که ازدواج یک رابطه مادام‌العمر است و نبایستی هرگز پایان یابد به جز در شرایط سخت (سطوح بالاتری از رضایت زناشویی را گزارش کرده‌اند. پدر و مادر بودن باعث می‌شود که ازدواج پایدارتر باشد و هم‌چنین، پیش‌زمینه خانوادگی زوجین می‌تواند در دوام ازدواج موثر باشد. ازدواج‌هایی که در آن زوجین بدون تجربه طلاق والدین می‌آیند، دوام بیش‌تری در مقایسه با ازدواج‌هایی که یکی از زوجین طلاق والدین را تجربه کرده‌اند، دارند. در ازدواج‌هایی که هر دو زوج تجربه طلاق والدین داشته‌اند، سه برابر بیش‌تر منجر به طلاق می‌شود (Riskin, & Faunce, 2009).

مولفه‌های عشق^۱ نیز یکی از متغیرهای مهم و موثر در ازدواج می‌باشد (Sternberg, 1987). در نظریه سه مولفه صمیمیت^۲، میل (هوس)^۳ و تعهد^۴ را عنوان کرد. صمیمیت یکی از ویژگی‌های رابطه زوجین است؛ رابطه‌ای که با خودآشنایی واقعی و درک شخص دیگر در مشارکتی برابر تعریف می‌شود. در واقع، صمیمیت مقدار نزدیکی و حمایتی است که هر عضو احساس و بیان می‌کند و راه و روشی که هر زوج به وسیله آن نزدیکی خود را بیان می‌کند. به باور اشترنبرگ میل (هوس) به معنای احساس جذابیت فیزیکی همراه با کشش فیزیکی، جذابیت جنسی و اشتغال ذهن مثبت نسبت به معشوق می‌باشد. این بعد جنبه انگیزشی دارد و میل شدید همراه با برانگیختگی فیزیولوژی توأم با میل به رابطه جنسی عذوفت و رزانه در فرد ایجاد می‌کند. هم‌چنین، از جمله ویژگی‌های خانواده سالم، احساس تعهد اعضای خانواده در قبال یکدیگر است. تعهد یعنی این‌که اعضای خانواده، هنگام غم و شادی و وقایع خوشایند و ناخوشایند زندگی، نسبت به یکدیگر وفادار بمانند (Gao, 2011).

کشور ایران در مرحله گذار از ازدواج سنتی به ازدواج غیر سنتی است. از این رو، انجام پژوهش‌هایی در این زمینه یک ضرورت بشمار می‌آید. در پژوهشی با عنوان تاثیر زندگی مشترک پیش از ازدواج بر ثبات زندگی در حین ازدواج بر پایه از هم پاشیدگی زندگی مشترک انجام شد، نشان داد کسانی که پیش از ازدواج زندگی مشترک دارند و سرانجام ازدواج می‌کنند، نسبت به

¹ - Love Dimensions

² - Passion

³ - Intimacy

⁴ - Commitment

کسانی که پیش از ازدواج با یکدیگر زندگی مشترک نداشته‌اند، به احتمال بیش‌تری طلاق می‌گیرند (Bernard, 2008). در پژوهشی که در زمینه بررسی مقایسه‌ای رضایت‌مندی زندگی زناشویی در دانشجویان با روابط و بدون روابط غیررسمی پیش از ازدواج در مورد دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده که از بین آن‌ها ۲۵ دانشجوی زن چنین رابطه‌ای را تایید کرده و ۲۵ نفر رابطه‌ای نداشته‌اند، به این نتیجه رسیدند که نیمی از افرادی که دارای روابط غیررسمی بوده‌اند، از زندگی زناشویی خود رضایت داشته و نیمی باور داشتند این روابط بر زندگی زناشویی آنان تاثیر منفی داشته است. کم‌تر از نیمی از افراد موافق رابطه غیر رسمی و نیز رابطه دوستی بودند. ملاک بیش از نیمی از افراد مقام اجتماعی جنس مقابل بوده است. در پاسخ به چگونگی رابطه جنسی پیش از ازدواج بیش از نیمی با گزینه «توافقی» موافق بوده‌اند و بقیه به گزینه انفعالی و ناخواسته پاسخ دادند. نیمی از افراد پس از برقراری ارتباط غیر رسمی دچار احساس گناه و سرزنش فوری بودند یعنی دچار افسردگی و به تعبیری دچار عدم اعتماد به نفس شده بودند. روی هم رفته، ازدواج موفق از نظر آزمودنی‌ها به شیوه سنتی بود (Aghamohamadia, Nimruzi, 2009).

یکی از چالش‌های بنیادی که جوامع در حال گذار از دوران سنتی به مدرن با آن دست به گریبان‌اند، چالش سنت‌های کنونی جامعه با ارزش‌های مدرن است. برهم نهدی و آمیزش باورها و ارزش‌های سنتی با ارزش‌ها و باورهای مدرن آسان نیست زیرا بنیان‌ها و ارزش‌های مدرن با بیش‌تر ارزش‌های سنتی کنونی جوامع در حال گذار سازگاری ندارد. از این رو، نمی‌توان هر یک از این دو سامانه ارزشی را یک پارچه طرد کرد که این کار نه شدنی است و نه خردمندانه. پس آمیزش ارزش‌های سنتی و مدرن از نیازمندی‌های زندگی امروزه است. هرچند که فرآیند آمیزش ارزش‌ها در دوران گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن با نا سازگاری و چندگانگی ارزشی همراه است که می‌تواند پدیدآورنده چالشی آسیب‌زا در جوامعی همچون ایران باشد (Movahed, Abassi, 2009). بنابراین، به نظر می‌رسد با انجام پژوهش‌هایی در زمینه سبک ازدواج‌ها و فرایندهای مربوط به آن بتوان گامی در جهت حل معضلات یاد شده برداشت.

روش پژوهش

در این پژوهش با توجه به عنوان که مقایسه ثبات ازدواج و مولفه‌های عشق در زوج‌های سنتی و غیر سنتی است، روش پژوهش علی-مقایسه‌ای می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را تمامی دانشجویان زن متأهل مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های آزاد استان فارس که مدت ازدواج آن‌ها بین ۶ ماه تا ۱۰ سال و دست‌کم یکی از زوجین دانشجوی بودند را تشکیل می‌دادند. نمونه آماری با روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب گردید به این ترتیب که ابتدا از میان دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان فارس ۵ دانشگاه به گونه تصادفی انتخاب و در هر دانشگاه نیز به

صورت تصادفی ۶ رشته و از هر رشته سه کلاس انتخاب و تمامی دانشجویان زن متاهل آن کلاس‌ها به پرسش‌های ابزار پاسخ داده و در نهایت، ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

ابزار سنجش

پرسش‌نامه ثبات ازدواج: شاخص بی‌ثباتی ازدواج یک ابزار ۱۴ پرسشی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات زناشویی و بویژه مستعد طلاق بودن در ۱۹۸۷ به وسیله جان ان. ادواردز، دیوید آر. جانسون و آلن بوث تدوین شده است. این ابزار متکی بر این نظر است که برای ارزیابی بی‌ثباتی و خطر بالقوه طلاق، زن و شوهر باید هم شناخت و هم رفتار بشمار آورده شوند. "شاخص بی‌ثباتی ازدواج" با ضریب آلفای ۰/۹۳ از یک همسانی درونی بالایی برخوردار است. پایایی باز آزمایشی نیز ۰/۹۵ بدست آمد. در ایران برای محاسبه ضریب اعتبار این ابزار از روش دو نیمه کردن استفاده شد و ضریب پایایی ۰/۸۵ گزارش گردیده است. پایایی پرسش‌نامه در این پژوهش که در مورد ۶۰ نفر انجام شد، ۰/۹۶ بدست آمد.

پرسش‌نامه عشق مثلثی اشترنبرگ: این پرسش‌نامه به وسیله رابرت جی اشترنبرگ (۱۹۸۶)، با هدف بررسی و ارزیابی ساختار عشق بر اساس مولفه‌های صمیمیت، میل (هوس) و تعهد تدوین شده است. این پرسش‌نامه دارای ۴۵ پرسش است که سه مولفه صمیمیت، میل (هوس) و تعهد را اندازه می‌گیرد. کمینه و بیشینه نمره در هر یک از خرده مقیاس‌های این ابزار به ترتیب ۱۳۵ و ۱۳۵ می‌باشد. اشترنبرگ همبستگی خرده مقیاس‌ها در این پرسش‌ها را ۰/۲۱ تا ۰/۶۵ بدست آورد و ضریب پایانی برای کل این آزمون را نیز ۰/۹۰ بدست آوردند. در ایران پایایی این پرسش‌نامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و برای مولفه صمیمیت ۰/۰۶۶، هوس ۰/۷۷ و تعهد ۰/۹۲ گزارش شده است. در این پژوهش پایایی پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و برای مولفه‌های صمیمیت ۰/۸۶، هوس ۰/۸۰ و تعهد ۰/۸۹ بدست آمد.

یافته‌ها

جدول ۱- گروه نمونه به تفکیک سبک ازدواج.

درصد	فراوانی	
۶۸/۳	۲۲۴	سنتی
۳۱/۷	۱۰۴	غیرسنتی

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود، ۶۸/۳ درصد از گروه نمونه دارای ازدواج سنتی و ۳۱/۷ درصد گروه دارای ازدواج غیر سنتی هستند. فرضیه نخست: بین ثبات ازدواج در زوجین سنتی و غیرسنتی تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۲- مقایسه میانگین عدم ثبات ازدواج در گروه سنتی و غیر سنتی.

گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری	مقدار t	سطح معنی داری
ازدواج سنتی	224	۲/۹۷	۴/۵۷				
ازدواج غیر سنتی	104	۱/۳۷	۳/۷۲	۱۹/۳۵	۰/۰۰۰۱	۳/۲۵	۰/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول بالا نشان داده شده است، میانگین بی‌ثباتی ازدواج در گروه سنتی برابر با ۲/۹۷ و در گروه غیر سنتی برابر با ۱/۳۷ می‌باشد که نشان دهنده بی‌ثباتی بیش‌تر در گروه سنتی می‌باشد. جهت بررسی معنی‌داری این تفاوت با استفاده از آزمون t مستقل مشخص گردید که مقدار t برابر با ۳/۲۵ می‌باشد که در سطح معنی‌داری $p < 0/001$ معنی‌دار است. بدین معنی که بی‌ثباتی ازدواج (احتمال طلاق) در ازدواج سنتی به گونه‌ای معنی‌دار بیش‌تر از ازدواج غیرسنتی می‌باشد. پس فرضیه نخست تایید می‌شود. در ضمن آزمون F لویین جهت بررسی مفروضه همگنی واریانس‌ها گزارش شده است. فرضیه دوم: بین مولفه‌های عشق در زوجین سنتی و غیرسنتی تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۳- تحلیل واریانس یک سویه برای مقایسه زوجین دو گروه از نظر مولفه‌های عشق.

مولفه‌ها	منبع واریانس	SS	df	Ms	F	P<
صمیمیت	بین گروهی	۱۱۷۴/۷۸۷	۱	۱۱۷۴/۷۸۷	۴/۰۹۵	۰/۰۴۴
	درون گروهی	۷۲۸۷۵/۰۵۲	۳۲۵	۲۸۶/۹۱۰		
	کل	۷۴۰۴۹/۸۴۰	۳۲۶			
میل (هوس)	بین گروهی	۱۲۹۷/۹۴۲	۱	۱۲۹۷/۹۴۲	۴/۴۷۰	۰/۰۳۵
	درون گروهی	۷۳۷۴۶/۸۳۵	۳۲۵	۲۹۰/۳۴۲		
	کل	۷۵۰۴۴/۷۷۷	۳۲۶			
تعهد	بین گروهی	۵۴/۷۲۸	۱	۵۴/۷۲۸	۰/۲۶۵	N.S
	درون گروهی	۵۲۳۹۴/۷۹۹	۳۴۵	۲۰۶/۲۷۹		
	کل	۵۲۴۴۹/۵۲۷	۳۲۶			

بر اساس نتایج موجود در جدول بالا بین زوجین با ازدواج سنتی و غیر سنتی، در مولفه‌های صمیمیت و میل (هوس) تفاوت معنادار در سطح $0/05$ وجود دارد. با مقایسه میانگین دو گروه مشخص شد مقدار صمیمیت و میل (هوس) در زوجین با ازدواج غیر سنتی بیش‌تر از گروه زوجین با ازدواج سنتی است. در مولفه تعهد بین دو گروه تفاوتی معنادار وجود نداشت.

بحث و نتیجه گیری

در رابطه با فرضیه نخست پژوهش نتایج جدول ۲ با توجه به آزمون t نشان داد که بی‌ثباتی ازدواج در گروه سنتی بیش‌تر از گروه غیر سنتی می‌باشد و این تفاوت از نظر آماری در سطح $(p < 0/001)$ معنی‌دار است. روابط قبل از ازدواج در جامعه دانشجویان و در سنین بالاتر به دلیل انتخاب مستقیم طرفین (دختر و پسر) می‌تواند منجر به کاهش تعارضات زناشویی و حتی افزایش رضایت زناشویی گردد. بی‌ثباتی در ازدواج‌های سنتی شاید به این دلیل باشد که انتخاب همسر در ایران بوسیله‌ی خواستگاری و از طرف خانواده‌ی مرد صورت می‌گیرد و همسر (زن) طبق سلايق و معیارهای آن‌ها انتخاب می‌شود و معیارهای مرد (شوهر) با توجیه بی‌تجربگی در درجه‌ی دوم قرار می‌گیرد. به این ترتیب مرحله‌ی اول ازدواج انجام می‌شود و به گونه معمول مرحله دوم که معاشرت و شناخت دو طرف است، نادیده گرفته می‌شود و اغلب صورت نمی‌گیرد و به سرعت مرحله عقد و ازدواج انجام می‌شود و دو انسان از دو خانواده با تربیت و فرهنگ و درجه اجتماعی گوناگون و شیوه زندگی متفاوت و ویژگی فردی و علایق و سلايق متفاوت به وسیله‌ی عاملی به نام پیوند زناشویی بدون هیچ پیش‌آگهی از یکدیگر در کنار هم قرار می‌گیرند و وارد یک زندگی تازه می‌شوند زمانی که روزهای جشن و مهمانی و ماه عسل تمام می‌شود، واقعیت‌های وجودی و فردی هر یک از زوجین در زمینه‌های گوناگون بروز می‌کند و میدان رویارویی با همه مسایل باز می‌شود و ناگزیر زمانی صرف و تلاش می‌شود تا عیوب برطرف شده و هماهنگی و هم‌سویی در رفتارها بوجود آید تا شاید این پیوند گسسته نشود که گاهی این تلاش‌ها مفید واقع می‌شوند و در برخی موارد هم این تلاش به نتیجه نمی‌رسد و جدایی رخ می‌دهد و به عکس، ازدواج‌های غیر سنتی در مواردی انجام می‌شود که عواملی مانند همکار بودن، هم‌کلاسی بودن در دانشگاه و ... باعث آشنایی شده و شخص، طرف مقابل را در شرایط طبیعی و با رفتارهای عادی و برنامه ریزی نشده مشاهده می‌کند و این شکل آشنایی باعث شناخت و سپس انس و علاقه مندی و آن‌گاه اشتیاق برای در کنار هم بودن همیشگی یعنی ازدواج می‌شود.

(Gattman, 2000) باور دارد زوج‌های سنتی با نقش جنسیتی یعنی نقش‌های زنانه و مردانه انطباق دارند، وظایف زن و مرد کاملاً از یکدیگر متمایز و مشخص است و حد متوسطی از هیجان‌های مثبت و منفی را از خود نشان می‌دهند، از بوجود آمدن تعارض به جز در مسایل بسیار

مهم اجتناب می‌کنند، اما در ازدواج‌های مدرن زن و مرد در قبول نقش‌های جنسی مساوی طلب هستند و وظایف زوجین به وظایف زنانه و مردانه تقسیم نمی‌شود و سطوح بالایی از هیجان مثبت و منفی را از خود نشان می‌دهند و ترجیح می‌دهند برای حل مشکلات درگیر در مذاکره شوند، بنابراین ازدواج آن‌ها از ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است. سطوح تعاملات پیش از ازدواج به شدت زوجینی را که در آینده خوب عمل می‌کنند، از آن‌هایی که خوب عمل نمی‌کنند، متمایز می‌سازد. روی هم رفته، می‌توان گفت که انتخاب مستقیم دختر و پسر برای ازدواج باعث شناخت بهتر زوجین و آشنایی بیشتر با ابعاد شخصیتی و خانوادگی شده و باعث ایجاد الگوهای ارتباطی سازنده تری می‌گردد و در نتیجه با تعارضات کم‌تر و ثبات بیشتری همراه خواهد بود.

فرضیه دوم پژوهش بین مولفه‌های عشق در زوجین سنتی و غیرسنتی تفاوت معنادار وجود دارد بود بر اساس نتایج موجود در جدول ۳، بین زوجین با ازدواج سنتی و غیر سنتی، در مولفه‌های صمیمیت و میل (هوس) تفاوت معنادار در سطح ۰/۰۵ وجود داشت. با مقایسه میانگین دو گروه مشخص شد مقدار صمیمیت و میل (هوس) در زوجین با ازدواج غیر سنتی بیش‌تر از گروه زوجین با ازدواج سنتی است. در مولفه تعهد بین دو گروه تفاوتی معنادار وجود نداشت.

این یافته با نتایج (Kim,2010) و (Gao,2011) همسوست. آن‌ها گزارش کردند که مولفه‌های عشق، در زوجین با فرهنگ جمع‌گرا که ازدواج به واسطه همکاری خانواده، وابستگی و دوستان و بر اساس زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی مشابه صورت می‌گیرد و زوجین با فرهنگ فردگرا که فرد خودش در ازدواجش تصمیم‌گیرنده است، تفاوت وجود دارد. و نیز با نتایج پژوهش (Scott,2014) که به بررسی دلبستگی، صمیمیت، میل (هوس) و تعهد با رضایت از روابط، در گروهی از دانشجویان دوره کارشناسی که در روابط عاشقانه درگیر بودند، پرداختند، هماهنگ است. هم‌چنین، با پژوهش‌های انجام شده به وسیله (Musavi,2011) که بیان داشت: مولفه‌های همکاری زوجین، واکنش هیجانی، رابطه جنسی زوجین در زمان تعارضات و تعارض‌های زناشویی در زوجینی که روابط پیش از ازدواج داشته‌اند با زوجینی که روابط پیش از ازدواج نداشته‌اند، تفاوتی معنادار دارند.

صمیمیت به رفتارهایی اطلاق می‌شود که نزدیکی عاطفی را افزایش می‌دهد. نزدیک بودن عاطفی شامل حمایت و درک متقابل، ارتباط برقرار کردن و سهیم کردن خود، فعالیت‌ها و دارایی‌هایمان با دیگری است و «میل» به انگیزه‌هایی اشاره دارد که به عشق رهنمون می‌شوند (انگیزه‌هایی مانند جذابیت و تمایلات جنسی)، اما از سوی دیگر، به نیازهایی از قبیل عزت نفس، نزدیک بودن و خود شکوفایی هم اشاره دارد. «میل» با این حال، بسیاری از هیجان‌ها را نیز در بر می‌گیرد (هیجان‌هایی همچون: آرزو، شرم، آسیب‌پذیری، تحسین و اشتیاق). پس «میل» دو مولفه هیجانی و انگیزشی عشق را در بر می‌گیرد و تعهد به دو گونه تصمیم باز می‌گردد. ابتدا

تصمیم کوتاه مدتی مبنی بر این که آیا آنچه که هست را عشق بنامم یا نه و دوم تصمیم بر این که آیا برای حفظ آن عشق به سوی آینده ای قابل پیش بینی تلاش کنم یا نه. تعهد بیش‌تر کارکرد شناختی دارد تا کارکرد هیجانی و شامل قصد هشیارانه و اراده می‌شود. توانایی متعهد کردن خود به وابستگی عینی و زندگی مشترک و رشد توانمندی اخلاقی برای تحمل این تعهد، حتی اگر نیاز به از خود گذشتگی یا بد نامی و به خطر افتادن باشد، است. با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت که در ازدواج غیر سنتی زوجین از گذشته باهم ارتباط داشته‌اند و ایجاد صمیمیت بین آن‌ها و میل به یکدیگر آن‌ها را جذب هم کرده است و سپس تعهد به یکدیگر به صورت ازدواج انجام شده است. در حالی که در ازدواج سنتی ابتدا دو نفر به عنوان همسر متعهد می‌شوند، در کنار هم قرار گیرند و سپس به برقراری ارتباط و ایجاد صمیمیت و میل به یکدیگر می‌پردازند. هم‌چنین می‌توان گفت شاید یکی از دلایل بالا بودن مقدار صمیمیت و تعهد و پایین بودن هوس در زوجین ایرانی مبحث مهم و تاثیر گذار فرهنگ باشد. در فرهنگ فرد گرای ایالات متحده به مقدار زیادی بر هوس در رابطه زن و مرد تاکید می‌شود، اما در فرهنگ جمع گرای کشور ایران ازدواج به واسطه همکاری خانواده، وابستگان و دوستان و بر اساس زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی مشابه صورت می‌گیرد که ممکن است ضرورتاً با عشق همراه نباشد. تابو بودن، احساس گناه و سرکوب مسایل جنسی در ایران بویژه در شهرهای سنتی مانند یزد و در زوجین با ازدواج سنتی، باعث می‌شود که ابراز تمایلات جنسی و بیان این مسایل با یک نوع برجسب‌های غیر واقعی همراه باشد. از این رو، در فرهنگ ایرانی بویژه در شهرهای مانند یزد به مقدار زیادی بر تعهد در رابطه زن و مرد تاکید می‌شود و متعهد بودن، جزء ارزش‌های فرهنگی بشمار می‌آید. بنابراین، زوجین خود را ملزم به حفظ رابطه و استمرار و بقاء آن می‌دانند و با وجود مرحله گذار از ازدواج سنتی به ازدواج غیر سنتی، تقریباً هر دو گروه بر مولفه تعهد به یک مقدار تاکید دارند. در مجموع می‌توان گفت با توجه به مرحله گذار از دوران سنتی به مدرن، در جوامع کنونی و دستخوش تغییر شدن بسیاری از ارزش‌ها و باورها در بین افراد، نوع ازدواج نیز از سنتی به ازدواج غیر سنتی در حال تغییر است.

بنابراین، با توجه به مرحله گذار از ازدواج سنتی به غیر سنتی و ناآگاهی جوانان، گاهی روابط پیش از ازدواج با اشتباههایی همراه است. اطلاع رسانی و بیان اهمیت مشاوره پیش از ازدواج و نقش آن برای والدین و جوانان لازم و ضروری است. هم‌چنین، از آن جایی که ثبات ازدواج و مولفه‌های عشق، تحت تاثیر آموزش قابل تغییرند، مشاوره، آموزش و فراهم‌سازی بستر لازم برای آشنایی‌های مناسب پیش از ازدواج از مهم‌ترین راهکارهای تاثیر گذار بر پایداری‌های ازدواج بشمار می‌روند. نتایج این پژوهش، لزوم توجه مسئولان امر و درمانگران را به مشاوره پیش از ازدواج و انتخابی مبتنی بر شناخت و آگاهی برای جوانان جهت ایجاد عشقی پایدارتر و را بیان می‌کند.

سپاسگزاری

این مقاله حاصل طرح پژوهشی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد استهبان بود که با حمایت مالی این دانشگاه انجام گردید.

منابع

- آقا محمدیان ش، ح.؛ نیمروزی، ف.، (۱۳۸۵)؛ بررسی مقایسه ای رضایتمندی زندگی زناشویی در دانشجویان با و بدون روابط غیر رسمی قبل از ازدواج، دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران.
- اولیایی، ن.، فاتحی‌زاده، م.، و بهرامی، ف. (۱۳۸۸). آموزش غنی‌سازی زندگی زناشویی. چاپ اول، تهران: نشر دانژه
- سپاه منصور، م.، (۱۳۸۵). مقایسه ی مولفه‌های سبک های عشق بین افراد متاهل دارای رضایت و عدم رضایت زناشویی، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران..
- مظاهری، ع. (۱۳۸۸). جوانان و انتخاب همسر، تهران: پارسپان.
- موسوی، ا. (۱۳۸۶). تاثیر روابط قبل از ازدواج بر تعارضات زناشویی در دانشجویان متاهل دانشگاه های دولتی شهر تهران. تازه ها و پژوهش‌های مشاوره ، جلد ۶، شماره ۱۵، ۲۲-۳۵.
- موحد، م.، عباسی شوازی، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه جامعه پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج . مطالعات زنان، سال ۴، شماره ۱، ۶۷-۹۹.

Reference

- Aghamohamadian SH, Nimruzi F (2009). A comparative study of marital satisfaction among students with and without informal relations before marriage. The second Congress of pathology in the family in Iran.
- Bernard, J. (2008). Marital stability and patterns of status variables. journal of marriage and family .6,421-439.
- Carrere, S. (2010). Predicting Material Stability and Divorce in Newlywed Couples. Journal of Family Psychology.14(1): 42-58.
- Gao ,G(2011).Intimacy , passion and commitment in Chinese and American Romantic Relationships international Journal of intercultural relations. 25: 329-342 .
- Gottman J. M.(2000).Temporal form : toward a new language for describing relationships . journal of marriage and family 44: 943-962.
- Kim,J..(2010). Love types and subjective wellbeing. A cross – cultural study. Journal of Social behavior and personality, 32(2): 173-182.

- Movahed P.Abassi.(2009) The relationship between socialization and attitudes of traditional and modern values in interpersonal relations of the sexes before marriage. Women's Studies.4(1):67-80
- Musavi A.(2011). The effects of marital conflict in relationships before marriage married students in public universities. News and Research counsellin.6(15):22-35.
- Riskin,J. & Faunce,E. E.(2009).An evaluative review of family interaction research. Family process . 11 : 365-455.
- Scott, R.J.(2009). A triangular theory of love, Journal of psychological review,23:1234-1246.



